

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱
صفحات ۷۷ - ۱۰۷

تأثیر کارکردهای متولیان آستان قدس رضوی در فرهنگ تشیع

(مطالعه موردی: عصر قاجاریه)

زهرا علیزاده بیرجندی^۱
اکرم ناصری^۲

چکیده

نقش آستان قدس رضوی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای مذهبی - با پیشینه دیوانی و اداری - در گسترش فرهنگ تشیع، از موضوعات قابل توجهی است که ارزیابی تأثیرات آن، مستلزم بررسی وظایف و اقدامات متولیان این آستانه است. وجود پرشمار متصدیان منصب نقابت و نقیب و هزاران خادم و مستخدم با بیش از دوازده قرن قدمت و قرار گرفتن منصب تولیت، در رأس هرم ساختار تشکیلاتی آن پژوهشی پر دامنه را ضروری می‌سازد و آنچه مقرر است در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، و با تکیه بر اسناد و داده‌های تاریخی مورد بررسی قرار گیرد، واکاوی سیر تطور منصب نقابت و تولیت در آستان قدس رضوی به همراه ارزیابی وظایف و کارکردهای متولیان و تأثیر عملکرد آنان در اشاعه فرهنگ شیعی است.

کلید واژگان

آستان قدس رضوی، منصب تولیت، قاجار، فرهنگ تشیع

۱. استادیار دانشگاه بیرجند، گروه تاریخ، بیرجند، ایران. zalizadehbirjandi@gmail.com
۲. کارشناس ارشد دانشگاه بیرجند، گروه تاریخ، بیرجند، ایران. akram_naseri@yahoo.com

مقدمه

خراسان به سبب اهمیت سیاسی، تاریخی و اقتصادی، در تمامی دوران‌های تاریخی، صحنه کشاکش حکومت‌های محلی و قدرت‌های بیگانه بوده است. شهرها، بسیاری از ویژگی‌های ساختاری، اجتماعی و کالبدی خود را در کشاکش تحولات سیاسی - در طی قرون و اعصار - شکل می‌دهند و هویت آن‌ها تحت تأثیر رخدادهای مهم تاریخی، سیاسی و مذهبی تکوین می‌یابد. مهمترین عاملی که سبب مرجعیت و اهمیت مشهد گردید، جایگاهی است که این شهر به عنوان مدفن امام رضا (ع) یافت. بدین ترتیب، آرامگاه امام رضا (ع) در بقعه هارونی - در قریه سناباد^۱ نوقان^۲ - نقطه عطفی در تاریخ خراسان گردید و به مرور، با ساکن شدن شیعیان در مجاورت بارگاه آن حضرت، شهر مشهد شکل گرفت.

آستان قدس رضوی، به عنوان یک قطب مذهبی مهم، از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تاریخ تشیع برخوردار است. در ساختار تشکیلاتی این نهاد مذهبی، منصب تولیت، بالاترین مقام به شمار می‌آید. پیشینه این منصب، به دوران صفویه باز می‌گردد. از زمان شکل‌گیری این نهاد مذهبی، کارگزاران و عاملان آستانه، کارکردهای گوناگونی را عهده‌دار بوده‌اند. در کنار این منصب، مناصب دیگری چون: نایب‌التولیه، قائم‌مقام‌التولیه و ناظر آستانه وجود دارد که صاحبان این مناصب، کارگزاران اصلی آستانه‌اند. اقدامات کارگزاران و متولیان آستان قدس، در دوره‌های مختلف تاریخی، تأثیرات گوناگونی بر جامعه و فرهنگ تشیع گذاشته است. عصر قاجاریه، یکی از ادوار شایان توجه در این تأثیرگذاری است. در این دوره، با توجه به گسترش موقوفات، ضرورت انتصاب یک متولی در آستان قدس - که نسبت به سایر متولیان از ارشدیت برخوردار باشد - بیش از پیش احساس گردید.

این پژوهش، به بررسی اقدامات متولیان و صاحب‌منصبان آستان قدس در عصر قاجاریه می‌پردازد و بر آن است تا نشان دهد که چه عواملی در کارآمدی و ناکارآمدی

۱. سناباد قصبه‌ای است متعلق به نوقان، که در چهار فرسخی شهر توس قرار دارد (حموی، ۱۳۹۹: ۲۵۹/۳).
 ۲. از بلاد توس است. شهرکی است در خراسان که مرقد علی بن موسی الرضا (ع) در آنجا واقع شده است (حائری، ۱۴۱۳: ۲۲۵/۱۸).

متولیان آستان قدس در ترویج فرهنگ تشیع تأثیر مدخلیت داشته است.

سیر تطور منصب تولیت و نقابت، از آغاز تا پایان دوره قاجار

از چگونگی اداره امور آستان قدس رضوی، در روزگاران پیش از صفویه، اطلاع دقیقی در دست نیست. آنچه نویسندگان و مورخان ذکر کرده‌اند، مستند به مدارک و مآخذ معتبر نمی‌باشد (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۲۴). همین اندازه معلوم است که بارگاه رضوی، از همان سده‌های آغازین، از وجود مباشر و سرپرست، برخوردار بوده است. در زمان سامانیان، برای مدتی، زنی مباشر امور بقعه بود که روزها از نوقان می‌آمد و در بقعه می‌ماند و شب‌ها درها را می‌بست و به محل سکونت خود باز می‌گشت (بسطامی، ۱۳۳۲: ۱۵). علی رغم اینکه مرقد امام رضا (ع) تا مدت‌ها پس از دوران حکمرانی سلاطین سامانی کمتر مورد توجه بود، اما همزمان با رشد علوم و معارف اسلامی در عهد دیالمه، روز به روز بر تعداد زائران مرقد امام هشتم افزوده می‌شد (خراسانی، ۱۳۴۷: ۴۴۴).

از سه، چهار قرن قبل از روزگار صفوی، تصدی بقعه رضوی، بر عهده نقیب‌السادات خراسان - که مقامی آرجمند و مخصوص سادات، علما و بزرگان محلی بود - قرار داشت (مدیرخازنی، ۱۳۳۵: ۱۵۴). نقابت، نهادی بود که برای صیانت از حقوق سادات و رسیدگی به امور آنها به وجود آمد (ماوردی، ۱۹۹۶: ۱۲۱). پیدایش زمینه سیاسی نهاد نقابت، به دوره آمویان باز می‌گردد. ستمگری امویان و رفتار خشونت بار آنها نسبت به علویان، زمینه ساز قیام‌هایی از سوی آنان گردید که از آن میان، می‌توان به قیام یحیی بن زید (اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۷۶) اشاره کرد. با روی کار آمدن عباسیان، بار دیگر، علویان دچار تنگنا شدند و قیام‌های دیگری را برپا کردند (طبری، ۱۴۰۷: ۲۷۷/۷). این قیام‌ها سبب شد که خلفای عباسی، با ایجاد نهاد نقابت، علاوه بر اعطای آزادی عمل به طالبیان (ابن‌اشدقم، ۱۳۸۰: ۷۷)، آنها را تحت کنترل خود درآورند (خالقی، ۱۳۷۸: ۱۲۰) و از ایجاد کانون قدرت علیه خود جلوگیری کنند. البته، این نهاد، تحت نظارت مستقیم دستگاه خلافت نبود؛ بلکه نهادی معمولی در جامعه بود که از احترام فراوانی برخوردار بود (موری‌موتو، ۱۳۸۶: ۱۱۵؛ متز، ۱۳۶۲: ۱۷۷).

از سده چهارم هجری، خانواده‌های زیدیه و سپس سادات حسینی، منصب نقابت

علویان را به دست گرفتند. از میان ساداتی که پس از شهادت امام(ع) - در نوقانِ توس - روی به این شهر آوردند، شاخص‌ترین ایشان، سادات موسوی و رضوی بودند که از حدود قرن پنجم هجری، در شهر مشهد، حضوری فعال یافتند و از سده‌های ششم تا نهم هجری، منصب مهم نقابت را عهده‌دار شدند (خلخال، ۱۳۳۱: ۶۱۸) و سپس در دوره صفوی، از نظر مذهبی، سیاسی و نظامی قدرتی قابل توجه پیدا کردند (Farhat, ۲۰۰۲: ۶۷).

اداره موقوفات، نقطه مشترکی است که در حوزه کارکردهای منصب نقابت و تولیت آستان‌قدس رضوی دیده می‌شود. لذا، با توجه به علاقه شیعیان به وجود حرم امام رضا(ع) در خراسان، و افزایش شمار زائران، نذورات زیادی وقف آستانه می‌گردید که در ابتدا، وظیفه نظارت بر آن، بر عهده نقیبان علوی بود؛ اما با افزایش موقوفات، ضرورت وجود تشکیلاتی جهت اداره آن احساس گردید. در دوره شاه اسماعیل صفوی، برای نظارت بهتر بر اشاعه مذهب تشیع، مقامی به نام «صدر» تعیین گردید که نظارت بر اوقاف را بر عهده داشت (سمیعا، ۱۳۶۸: ۷۳).

شاه طهماسب صفوی، برای اولین بار، ضمن تفکیک موقوفات پیشین آستانه از موقوفات سلطنتی، شخصی را با عنوان «واجبی»، برای اداره موقوفات پیشین، و شخصی را با عنوان «سنتی»، برای اداره موقوفات سلطنتی منصوب کرد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۹/۱).

از زمان سلطنت شاه عباس اول، توجه به مشهد و سادات، بیشتر شد. او پس از دفع حمله ازبکان، در سال ۱۰۲۶ هـ. ق.، قاضی سلطان را به وزارت برگزید و تولیت آستانه را هم به یکی از سادات رضوی مشهد، به نام میرزا محسن، سپرد (همان: ۹۲۸/۲). این مرحله، آغاز تولیت سادات رضوی مشهد بود که از آن پس، بر امور تشکیلات آستانه مسلط شدند (قمی، ۱۳۵۹: ۶۲۵/۲).

با آغاز سلطنت شاه صفی، سادات رضوی مشهد، موقعیت پیشین خود را از دست دادند؛ چرا که وصلت سادات با خاندان شاهی، موجبات ترس شاه صفی را فراهم کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۴۳). در نتیجه، تولیت آستان قدس، به افرادی غیر از سادات رضوی مشهد سپرده شد. لذا، می‌توان دریافت که پیوندهای نسبی شاهان با سادات، همواره نتایج یکسانی را در نگرش آن‌ها به سادات در پی نداشته است. در

اواخر سلطنت شاه‌عباس دوم، بار دیگر، سادات رضوی، منصب تولیت آستانه را در اختیار گرفتند (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۸۹). از زمان شاه سلطان حسین صفوی، امر تولیت آستانه از سادات رضوی و آحفاذ ایشان جدا شد و به مستوفی خاصه شاه سلطان حسین - میرزا داوود از خاندان‌های سادات مرعشی - واگذار گردید (هاشم میرزا، ۱۳۷۹: ۴۸).

با آغاز حکومت صفوی، سنگ بنای نخستین تشکیلات اداری و رسمی آستان قدس نهاده شد (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۸۶). نظارت بر تشکیلات آستانه، نیاز به فردی داشت که بتواند اداره‌آملاک و موقوفه را به دست گیرد. این فرد، از سوی شاه، با عنوان متولی، عهده‌دار این مسئولیت می‌گردید. در رأس چنین تشکیلاتی، متولی‌باشی قرار داشت که پس از شاه، شخص اول مملکت محسوب می‌شد (حکمت، ۱۳۹۷: ۴). فرامین متولی، برای موقوفات را معمولاً شاه صادر می‌کرد. بعد از متولی، ناظرکل، مسئولیت اداره این تشکیلات را برعهده داشت. در واقع، ناظران، که از همان ابتدا در تشکیلات آستانه حضور داشتند، زیر نظر این ناظرکل، مشغول به کار بودند و نماینده او در تمام تشکیلات محسوب می‌شدند و گزارش کارها را به اطلاع وی می‌رساندند.

با ظهور نادر شاه افشار، مشهد دچار آشفتگی شد. سیاست مذهبی وی بر این قرار گرفت که نظارت بر موقوفات و امور آستان قدس را شخصاً عهده‌دار شود، اما این امر، به درازا نکشید؛ زیرا پس از برقراری امنیت و آرامش نسبی در زمان جانشین نادر - علیشاه - تمامی موقوفات ضبط شده دیوان آزاد شد و سادات، فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی خود را از سر گرفتند.

تا اوایل قرن چهاردهم هجری و سقوط حکومت قاجار، متصدیان و کارگزاران آستانه، عبارت بودند از: یک عده خادم و فراش، که زیر نظر خادم‌باشی یا سرکشیک؛ و گروهی هم در دفتر آستان قدس، تحت سرپرستی قائم‌مقام‌التولیه، انجام وظیفه می‌کردند. عده‌ای نیز، به عنوان نایب‌الزیاره، مدرس، کارمندان دفتری و مباشرین املاک، به خدمت مشغول بودند (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۹۶/۱).

از جمله دوران‌هایی که منصب تولیت، دچار تغییر اساسی شد، اواخر دوره صفوی و اوایل عصر قاجار بود. در این دوره، برای اداره بهتر امور آستان قدس، که اکنون تشکیلات وسیعی را در بر می‌گرفت، متولی، افرادی را به عنوان نماینده خود - یا همان

نایب‌التولیه در تمام تشکیلات آستان قدس - منصوب می‌کرد. در اوایل حکومت قاجار، تحت تأثیر سیاست مذهبی شاهان این سلسله - به ویژه فتحعلی شاه - نفوذ سادات در مشاغل کلیدی آستانه افزایش یافت. چه، نقیبان، در کنار منصب مهم نقابت سادات، در بسیاری از مشاغل کلیدی آستان قدس رضوی چون تولیت، نظارت، سرکشیکی، خادم‌باشی، کلیدداری حرم و رسیدگی به امور موقوفات - از زمان ورودشان به مشهد تا دوره قاجاریه - نقش‌های مهمی را ایفا کردند. اما در اواخر این دوران، نقش سادات کم رنگ شد. تنها فردی از سادات رضوی، که در اواخر دوره قاجار، به منصب تولیت آستان قدس مفتخر گردید، محمد علی رضوی بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳۲۳/۲). ملاحظات سیاسی و ارتباط درباری، در این دوره، بر پیوندهای مذهبی و سادات بودن، برتری یافت.

مجموعه متولی‌باشی - نایب‌التولیه و ناظرکل، تشکیلات داخلی آستانه و امور مربوط به موقوفات را بر عهده داشتند؛ به طوری که تمامی کارها در تشکیلات آستان قدس رضوی با اطلاع آن‌ها انجام می‌گرفت (حسن آبادی، ۱۳۸۲: ۳۵). لذا تشکیلات آستانه، در دوره قاجار، همان تشکیلات دوران صفوی بود و تغییر عمده‌ای در آن، پدید نیامد. در این دوره، بار دیگر، مرکزیت علمی و مذهبی مشهد - پس از سال‌ها جنگ و کشمکش داخلی و خارجی - مورد توجه قرار گرفت و با تلاش شاهان و متولیان، گام‌های مفیدی در جهت توسعه بخش‌های مختلف این سازمان اداری برداشته شد. از جمله تحولات اساسی در منصب تولیت آستانه در دوره قاجار، آمیختگی دو منصب نیابت و حکمرانی خراسان بود. در این دوره، دو منصب مهم استانداری خراسان و نایب‌التولیه، به ترتیب از سوی وزارت داخله و شاه تعیین می‌شد. تغییر جدی که در این دوره صورت گرفت، این بود که گاه، این دو منصب، به شخص واحدی سپرده می‌شد. تمایل بسیاری از والیان خراسان برای بدست گرفتن منصب نیابت تولیت آستان قدس رضوی، به مرور زمان، زمینه ساز تعدی و تجاوز، در بسیاری از امور مملکتی گردید.

وظایف و کارکردهای متولیان آستانه

از آنجایی که ارزیابی تأثیرات آستان قدس رضوی در گسترش فرهنگ شیعی، مستلزم

بررسی اقدامات متولیان، به عنوان کارگزاران اصلی این نهاد مذهبی است، از این رو، تبیین عملکردهای آنان در عصر قاجاریه ضروری می‌نماید. در این دوره، با توجه به گستردگی تشکیلات آستانه، متولیان، وظایف و مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده داشتند که به مهمترین آنها در زمینه‌های مذهبی، فرهنگی، عمرانی و اداری-مالی اشاره می‌شود:

مذهبی

- حضور در مراسم آیینی (اعیاد و سوگواری‌ها)، غبارروبی و تطهیر حرم (موتمن، همان: ۳۲۹).
- برپایی جشن و اطعام در ایام ولادت و تشویق ثروتمندان برای وقف موقوفه به آستانه؛ (مولوی، ۱۳۵۸: ۳/۲۳۰).
- تعیین قاریان قرآن برای قرائت در صحن‌های حرم (خراسانی، همان: ۵۸۲).
- مرسوم کردن رسم عیدی به اهل علم و سادات، از محل عشر حق التولیه (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۹/۱).

فرهنگی

- رتق و فتق امور مربوط به مکتب‌خانه‌ها، مدارس و مواجب معلمین آن‌ها به صورت نقدی و غیرنقدی (سندشماره ۱۷۳۹۳/۳ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)^(۱).
- نظارت بر تعمیر کتابخانه و مرمت کتاب‌های موجود در آن؛
- نظارت بر تعمیر صحیح مدارس (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲/۲۳۶).
- گسترش فرهنگ زیارت، از طریق فراهم آوردن تسهیلات زیارتی برای زائران که خود شامل موارد ذیل است:
- دستگیری از زوار نیازمند و درمانده (عرب‌های عراق، حله و بحرین برای مراجعه به وطن)؛
- نظارت بر آشپزخانه حرم، جهت اطعام فقرا و زوار؛
- نظارت بر توزیع خوراک میان زائرین (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۹/۱)؛

۱. اعدادی که از شماره ۷-۱ داخل پرانتز () آمده، نشانگر شماره اسناد درج شده در پیوست می‌باشد.

- جمع‌آوری متکدیان از معابر بالا و پایین خیابان (بسطامی، ۱۳۳۲: ۵۱؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۳۶/۳).

عمرانی

- تعمیرات بیوتات و مؤسسات وابسته (رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۷).
- سنگفرش صحن‌های حرم برای سهولت عبور و مرور زائران؛
- ایجاد ساختمان دارالتولیه بر روی حوض انبار صحن کهنه (بسطامی، همان: ۵۱، اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۳۶/۲)؛
- احداث راه نیشابور به مشهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱۰۳/۱)

اداری- مالی

- نظارت بر موقوفات و ساماندهی امور آنها (همان: ۱۰/۱)
- لازم به ذکر است که این وظیفه، موارد متعددی را به جهت تنوع مصارف آن شامل می‌شد که به برخی از آنها در ذیل عنوان کارکردهای مذهبی، فرهنگی و عمرانی اشاره شده است.
- ترتیب خدمات درگاهی و نظم کلیه امور خادمان، فراشان، کفش بانان و قاریان قرآن، جهت تعیین مواجب ناهار و شام در اوقات خدمت (بسطامی، همان: ۵۲).
- نظارت بر امور مالی و دارایی‌های آستانه (موتمن، همان: ۲۶۲).
- پرداخت حقوق سالانه‌ی خدمه و عمال آستانه، با مبالغ نقدی و غیرنقدی (همان: ۲۶۳).
- ساماندهی امور مالی مربوط به آستانه (جشن‌ها، موقوفات، عزاداری‌ها و مراسم مذهبی)، (سند شماره ۱۵۴۰۴/۵ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)^(۲).
- پرداخت کمک‌های خیریه به کارمندان آستانه، جهت رفع مشکلات آنان. توضیح اینکه، در میان شیوه‌های پرداخت حقوق کارمندان آستان قدس، گاهی، علاوه بر پرداخت مقرری کارگزاران آن، کمک‌هایی هم برای انجام امور خیر صورت می‌گرفت. (سند شماره ۱۵۴۰۴/۶ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)^(۳).



- نظارت بر کمک‌های آستانه به زائرین در ماه‌های خاص؛
- بخشش بعضی از مالیات‌ها (بخشش مالیات شالبافان مقیم مشهد)؛
- افزایش حقوق کارمندان (کاویانیان، ۱۳۵۵: ۱۷۴).
- نظارت بر صورت مخارج تهیه لباس و کفش برای اطفال مکتب‌خانه و ساخت
- تعدادی دکان در کنار کاروانسرای ناصری (جهان‌پور، ۱۳۸۷: ۹۹)
- بهداشتی
- تأسیس دارالشفای رضوی (بیمارستان آستان قدس) برای بیماران بومی و غیر
- بومی (کاظم امام، ۱۳۴۸: ۴۹۳).

بررسی نقش متولیان تأثیرگذار در رواج فرهنگ تشیع

آستان قدس رضوی، یکی از مؤسسات مذهبی است که همواره کانون توجه واقفانی بوده است که از سر صدق، بخشی از اموال یا تمامی دارایی خود را وقف آن کرده‌اند (عطاردی، همان: ۵۵۴). بر اساس قراین و شواهد تاریخی، حرم رضوی در زمان سامانیان، غزنویان، آل بویه، وسلجوقیان، دارای موقوفاتی بوده است. در اواخر عصر صفوی، به علت حمله افغان‌ها و ازبکان، موقوفات آستانه، غارت شد و طومارها و دفاتری که موقوفات، در آنها ثبت شده بود از بین رفت. در دوره آفشاریه، که مشهد به عنوان مرکز حکومت و سلطنت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت، برای رسیدگی به امور موقوفات، فردی را از رجال درجه اول کشوری، به عنوان نایب التولیه تعیین می‌کردند (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱: ۵۴). از ابتدای قاجار، در انتظام بیشتر این رقبات، تلاش شد و در دوران قاجار محصول املاک موقوفه، مانند املاک اربابی، چندین برابر ترقی کرد (سپنتا، ۱۳۶۴: ۳۲۶).

قسمت اعظم مسئولیت‌های متولیان، مربوط به نظارت بر موقوفه‌ها بود. البته دامنه اختیارات متولی، در موقوفات، به نظر واقف بستگی داشته است. در موقوفات خاصه، وظیفه‌ی متولی، نظارت بر اجرای وصیت شخصی واقف و اداره موقوفه بود، اما در موقوفات مطلقه، شخص متولی، تمام مصارف موقوفه را برعهده داشت. پس از کسر هزینه‌های مورد نیاز موقوفه، بنابر وصیت واقف، عشر درآمد، به عنوان حق التولیه، به متولی می‌رسید. در برخی از موقوفات - که متولی از سوی واقف تعیین

می‌شد، متولی آستانه، تنها مبلغی جهت حق‌النظاره- متناسب با وصیت واقف- دریافت می‌کرد (مؤتمن، همان: ۳۰۱). گستردگی و اهمیت موقوفات، هنگامی مشخص می‌شود که بدانیم، علاوه بر املاک آستان قدس در حومه‌ی شهر مشهد، بسیاری از موقوفات در سایر شهرها، از جمله: تهران، قزوین، رشت، مازندران، آذربایجان، کرمان، سمنان، شیراز، هرات و نیمی‌آز آنها در خارج از کشور قرارداشت. با توجه به صورت اجاره موقوفات آستانه، شرح موارد مصالحه، مدت و وجه مصالحه، نحوه‌نظارت متولیان بر رتق و فتق بهتر امور، توسط ایشان، به خوبی نمایان می‌شود. (کریمیان، ۱۳۷۸: ۶۹-۶۵).

در جوامع اسلامی، املاک و مستغلات موقوفه، در تقویت بنیادهای گوناگون فرهنگی، سهم بسزایی داشته است که از آن جمله، می‌توان به ایجاد مدارس، گماشتن مدرسان در آنها و خرجی دادن به طالبان علم و تشکیل کانون‌های علمی و حلقه‌های تدریس اشاره کرد که همگی آنها در گسترش فرهنگ تشیع سهیم بوده‌اند (ساعاتی، ۱۳۸۷: ۱۶). توجه به شخصیت و نگرش متولیان، در بررسی اقدامات آنها، حائز اهمیت است. از این رو، عنایت به شرح احوال و اقدامات برخی از متولیان این عصر، گوشه‌هایی از تاثیرگذاری آنها را در نشر فرهنگ تشیع، آشکار خواهد کرد.

میرزا موسی‌خان فراهانی

نخستین شخصی که در دوره قاجار، به طور رسمی، به مقام تولیت آستان قدس رضوی رسید، میرزا موسی خان -پسر میرزا بزرگ قائم مقام اول- بود (هدایت، ۱۳۸۵: ۸۳۲۲/۱۵). وی از جمله سادات اصیلی بود که سلسله نسبش - تا امام سجاد (ع) - در دارالشکر حرم، با شرحی از خدمات او در تنظیم امور آستانه، مضبوط است. در بیشتر متون تاریخی، از موسی خان و اقدامات او، به نیکی یاد شده است. محدث نوری که از معاصران او بود، وی را صاحب فضایل و مناقب شمرده‌است (ولایی، ۱۳۴۴: ۹۴). موسی‌خان از همان اوایل جوانی، در دستگاه سلطنت، مناصب مهمی را عهده‌دار شد که البته، به اختیار خود، از تمامی مشاغل دنیوی کناره گرفت و به خدمت در آستان قدس رضوی، همت گماشت. از جمله اقدام وی در اعتلای فرهنگ دینی، می‌توان به تأسیس مکتب‌خانه و دبستان سادات علوی در صحن مقدس - برای آموزش و پرورش کودکان- و گماشتن معلمانی برای تدریس بی‌سرپرست، و نظارت بر خوراک



و پوشاک آنان اشاره کرد (بسطامی، همان: ۴۷؛ ولایی، همان: ۹۵). موسی خان در ایام تولیت خود، موقوفاتی وقف آستانه کرد که از آن جمله، می‌توان به وقف املاک و مستغلات تبریز اشاره کرد (ولایی، همان: ۹۴). در این دوران، کتابخانه آستان قدس نیز توسعه پیدا کرد. نقش این کتابخانه در ارتقای فرهنگی و توسعه‌ی معارف شیعی در خور توجه است.

از سازمان کتابخانه، در دوران پیش از صفویه، اطلاعی در دست نیست. در دوره صفوی، به علت توجه شاهان، حیات و رونق کتابخانه از سر گرفته شد. نساخان، وراقان و مصحفانی بودند که کتاب‌هایی را از خارج بدست می‌آوردند و برای کتابخانه، نسخه برداری می‌کردند و یا نسخه‌های موجود در کتابخانه را مقابله و تصحیح می‌نمودند. در دوره قاجار هم که امور آستانه، نظم بهتری به خود گرفت، همواره افرادی به وظیفه نساخی در کتابخانه عمل می‌کردند. از هنگام پیدایش چاپ در ایران، آستان قدس، کتاب‌هایی را برای کتابخانه خریداری می‌کرد و به نام متولیان وقت، وقف می‌نمود (سحاب، ۱۳۳۴: ۳۰۶). در واقع، این کتابخانه، همواره مورد پذیرای قرآن‌های خطی، کتاب‌ها و رساله‌های گوناگون و ارزشمندی از علما، فقها، محدثان، طالبان علم، وزراء، امرا و حکام بوده است. بی‌تردید، وجود این نسخه‌ها و بهره‌برداری طالبان علم، در گسترش معارف شیعی نقش‌آفرین بود.

در سال ۱۲۶۲ هـ. ق، از درآمد موقوفات، مکتب‌خانه‌ای دایر شد و روزی یکصد دینار نقد و ده سیرنان، در هر شب جمعه، و دو دست لباس به چهل نفر از شاگردان مکتب‌خانه، داده می‌شد (عطاردی، همان: ۳۷۱/۱). طالبات فرهنگی مکتب‌خانه‌ها، از دیرباز، پایگاهی اساسی در نظام آموزشی به شمار می‌آمده‌اند. در مشهد، مکتب‌خانه‌ها، اغلب، در مجاورت حرم امام رضا(ع) تأسیس شده بودند و تا پایان دوره قاجار به شکل‌های مختلف و تحت نامهای متفاوت، به حیات خود ادامه دادند. عمده‌ترین آنها عبارت بودند از: مکتب‌خانه ایتام، مکتب‌خانه میرزا ابوالحسن خان، مکتب‌خانه صحن جدید (جهان‌پور، همان: ۳۷)؛ که موقوفاتی هم توسط افراد خیر، برای آنها در نظر گرفته شده بود. اقدامات ارزنده موسی خان، در ایام تولیت، به ویژه توجه او به امور فرهنگی، تأسیس و گسترش مراکز علمی، سبب پویایی امور آستانه و نشر معارف دینی شد.

شیخ محمد رحیم بروجردی

شیخ محمد رحیم بروجردی، از متولیان است که تحصیلات خود را در زمینه فقه و اصول، در محضر علمای درجه اول، نظیر: ملاسداالله بروجردی و حاج سید شفیع جاپلقلی فرا گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۱۹۴). به سبب شرحی که بر *مختصر النافع* محقق حلی نوشت، مورد تشویق استادش قرار گرفت و به حیث جامع بودن کتاب، به او اجازه اجتهاد داده شد (حلی، ۱۳۴۳: ۱۸). بروجردی، از متولیان است که در دوران تصدی خویش، به تألیف آثار فراوانی دست زد؛ که از آن جمله، می‌توان به *جوامع الاحکام فی شرح قواعد الاحکام*، شرح استدلالی مفصل بر کتاب *قواعد الاحکام علامه حلی*، *رساله در اثبات سیادت و هدیه الرضویه* اشاره کرد. *هدیه الرضویه*، کتابی در حالات و آداب زیارت حضرت رضا (ع) است که او در مراجعت خویش از عتبات عالیات، نوشته است (ولایی، همان: ۶۲).

وجود متولیان چون بروجردی، که با علوم دینی آشنایی داشتند، می‌توانست، بیش از سایر متولیان، در نشر معارف شیعی، اثرگذار باشد. یکی از مهمترین اقدامات بروجردی در زمینه فقه شیعی، *شرح قواعد الاحکام علامه حلی* است که از کتاب‌های درسی حوزویان محسوب می‌شود. از دیگر اقدامات او، تعمیر مدرسه ابدالخان در سال ۱۲۹۷ ه. ق. جهت تحصیل طلاب بود که حاکی از توجه او را به امور فرهنگی است (امیرشیبانی، همان: ۳۱).

حاجی سلطان محمد میرزا سیف الدوله

سیف الدوله، فرزند ارشد سلطان احمد میرزا عضدالدوله - فرزند چهل و هشتم فتحعلی شاه قاجار - در سال ۱۲۸۸ ه. ق. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۹۲۸) به سمت تولیت آستان قدس تعیین شد. او در دوران تولیت خود، به امور فرهنگی و آموزشی توجه داشت و کتابخانه فعلی را ترتیب داد. در مقدمه جلد چهارم *فهرست کتابخانه آستان قدس*، در خصوص تعمیر و تنظیم محل کتابخانه. آمده است: «قبل از میرزا سعیدخان انصاری، سیف‌الدوله، این کتابخانه را ترتیب داد؛ چوب قفسه‌ها را از بخش‌های اطراف نیشابور تهیه نمود اما معلوم نست که چرا موفق به اتمام آن نشد. بعد از او، سعیدخان، کاستی‌ها را رفع نمود و کتاب‌ها را به کتابخانه جدید



منتقل کرد (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۱۳۱). همچنین، کتابی تحت عنوان *الکلام*، در علوم مختلف، تألیف کرد که مورد استفاده طلاب قرار می‌گرفت (معلم حبیب‌آبادی، ۱۳۵۱: ۸۵۱/۳). ایجاد مدرسه‌ای به سبک جدید، برای تحصیل فرزندان رعایا و بنای مسجدی افقی در شمال شرقی خیابان شاه‌آباد، از دیگر اقدامات خیریه اوست. از ابتدای اسلام، آموزش و آموختن یکی از ارکان مهم دین تلقی شده است و توصیه و تشویق اسلام به کسب دانش، از دلایل اصلی آشنایی مسلمانان با علوم زمان به شمار بوده است. مساجد، اولین نهاد تعلیم و تربیت بودند که در کنار وظایف دینی و اجتماعی خود، محلی برای آموختن قرآن، احکام دین، شرعیات و علوم مختلف به شمار می‌آمدند (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۳۰). از این‌رو، مسلمانان، از همان آغاز کوشیدند تا در کنار مسائل عبادی، به امر تعلیم و تربیت و بازگویی احکام و دستورات اسلام و قرآن همت گمارند. این‌گونه مدارس، به عنوان کانون‌های اصلی آموزش و پرورش، پس از مساجد، در جهان اسلام، از اعتبار زیادی برخوردار شدند و نقش مهمی را در گسترش فرهنگ اسلامی و شیعی ایفا نمودند. نخستین موضوعات علمی در مدارس اسلامی، مسائل مربوط به قرآن و سنت بود. در واقع جنبش علمی مسلمانان از مدینه آغاز شد و نخستین کتابی که توجه مسلمانان را به خود جلب کرد، قرآن بود. از این‌رو، شایع‌ترین نوع وقف، وقف قرآن بود.

عوامل مؤثر در ناکارآمدی نقش آستان قدس در ترویج فرهنگ تشیع

در عصر قاجار، با وجود کثرت موقوفات و فزونی عایدات آستان قدس، آنگونه که انتظار می‌رفت، از ظرفیت‌های این بارگاه مقدس، در جهت ترویج فرهنگ تشیع، بهره‌برداری نشد. لذا، بررسی دلایل ناکارآمدی و عدم بهره‌برداری از قابلیت‌های این نهاد دینی ضروری می‌نماید.

آستان قدس رضوی، در دوره‌های پیشین، برای حل و فصل امور مالی، دیوان محاسباتی داشت که در آن، گروهی تحت نظر متولیان، مشغول به کار بودند و برای هر یک از کارگزاران، کارمندان و خدمه، حقوق و مزایایی تعلق می‌گرفت. درآمد آستانه، عبارت بود از:



- املاک مزروعی، عواید مستغلات، باغها و اراضی موقوفه؛
- نذورات و تقدیمی‌ها؛
- وجوه بدست آمده از دفن اموات در آستانه.

در دوره صفوی، کلیه مخارج آستانه، اعم از پرداخت مواجب و هزینه‌های گوناگون، به صورت روزانه، در روزنامه‌چه نوشته می‌شد (رضوی، ۱۳۵۲: ۳۸) تا در دفتر توجیهات، مورد بررسی قرار گیرد (شهشهانی، بی تا: ۱۳۸). تمامی درآمدهای بارگاه رضوی در سایر شهرستان‌ها و حسابرسی پول‌های پرداختی به افراد نیز، در اوارجه^۱ ثبت و ضبط می‌گردید (سمیعا، همان: ۱۴۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۱/۱). این شیوه حسابرسی، در دوره قاجار، همچنان ادامه یافت اما پس از چندی، رفتارهای غیرقانونی کارگزاران آستانه در زمینه مالی، موجبات نابسامانی امور را بیش از پیش فراهم کرد. فریزر، کرزن و بیت، از جمله سیاحانی هستند که در سفرنامه‌های خود، در خصوص درآمدها و عایدات آستانه و اوضاع نابسامان آن مطالبی نگاشته‌اند ((فریزر، ۱۳۶۴: ۲۸۹؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۲۲۸؛ بیت، ۱۳۶۵: ۳۱۸). صاحب مطلع‌الشمس نیز، بیشترین بهره‌برداری از درآمد آستانه را از سوی کارگزاران و مباشران ذکر می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲، ص ۲۴). به‌منظور جمع‌بندی مباحث، در خصوص عوامل مؤثر در ناکارآمدی نقش آستانه در اشاعه فرهنگ شیعی، به دسته‌بندی آنها پرداخته می‌شود:

- عملکردهای غیرقانونی متولیان

یکی از مباحث شایان توجه در بحث موقوفات و ناکارآمدی، دخل و تصرفاتی است که موجبات آشفته‌گی اوضاع آستانه و مقروض بودن همیشگی آن را فراهم می‌کرد. آنچه اوضاع این نهاد را بیش از پیش آشفته ساخت، قسمتی به اقدامات دولت‌مردان و حکام، و قسمتی نیز به تولیت آستانه برمی‌گشت. وضع موقوفات، از زمان انقراض دولت صفوی رو به افول گذاشت. در زمان قاجار، معضلات جدی در امور موقوفات آستانه پدید آمد. در دوره سپهسالار، علی‌رغم تلاش‌های وی در ایجاد اصلاحات بدر امر اوقاف، بحث‌هایی مطرح است که نشان‌دهنده سوءاستفاده‌های احتمالی متولیان بوده است (راوندی، ۱۳۶۷: ۱۵۴/۴؛ سند شماره ۸۱۷/۲-۲۵۰۰۰۰۱۰۳ و اب الف ۱ سازمان

۱. اوارجه: از اصطلاحات حسابداری در قدیم بوده است.



اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران) (۴).

از اواسط دوره ناصری به بعد، بی‌نظمی متولیان دستگاه اداری آستان قدس آشکار شد. در دوره سلطنت مظفرالدین شاه، متولیان، با اعطای مبلغی به عنوان حق‌التولیه، منصب تولیت را بدست می‌آوردند از این طریق، القاب و حقوقی را برای خود رقم می‌زدند. حاج سیاح، در خاطرات خود، مرسوم شدن القاب- در این دوره- را علت اصلی بدبختی ذکر می‌کند (سیاح، ۱۳۴۶: ۴۷۸). در واقع، هر خدمتی، قیمتی داشت و افرادی که در پی به دست گرفتن منصب بودند، می‌بایست مبلغی را به متولی‌باشیان و دیگر صاحب‌منصبان متنفذ می‌پرداختند تا فرمان آن صادر می‌شد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۷۴۷/۲). این دخل و تصرفات، از عدم نظارت صحیح متولیان حکایت می‌کرد؛ چنانکه عضدالملک، در قسمتی از طومار خودش، به این تعدی و تجاوز عمال و متمرّدین اشاره می‌کند: «چنانکه بسیاری از املاک موقوفه سرکار فیض آثار که اسامی آنها از قرار حدود موقوفه در وقفنامه‌جات قدیم مضبوط است، کلاً و بعضاً، معاندین دین و منحرفان و متمرّدین، مداخله و تصرف کرده‌اند» (همدانی مستوفی، ۱۳۱۷: ۶۸).

- سوء استفاده‌های صاحب‌منصبان آستانه و مداخلات ناروای آنها

عین‌السلطنه در روزنامه خاطرات خود، با اشاره به مصارف موقوفات بر طبق وقفنامه، به سوء استفاده‌های نامشروع صاحب‌منصبان آستانه و عمل نکردن ایشان به صورت وقفنامه، آورده است که: «این موقوفات، هر یک مصارفی معین و منجاری معلوم، مطابق وقفنامه شرعی دارد و هر یک صد هزار لعن و طعن کرده‌اند که جز آن مصارف خرج دیگری نشود. مثلاً، یک قریه، وقف پوستین زوار است؛ دو قریه، وقف سوخت زوار است و چند قریه، وقف مریضخانه حضرت. حتی برای سرتراشی و کفش زوار، موقوفات، معین است. در موقوفات مریضخانه حضرت، نوشته شده اگر دوائی را مریض قی کند، در صورتی که قیمت آن به سه تومان برسد، باز مجدداً دوا گرفته به مریض بنوشانند. اما ابداً به آن نوشته جات عمل نمی‌شود و احدی پیرامون آن نمی‌گردد...» (عین‌السلطنه، همان: ۱۷۴۷/۲).

- رقابت و اختلافات والیان خراسان و متولیان

از دیگر عوامل نابسامانی در تشکیلات آستان قدس، می‌توان به روابط میان والیان

خراسان و متولیان آستانه اشاره کرد. از اواسط دوره قاجاریه، در خراسان، بین دو منصب ایالت خراسان و تولیت آستانه، همواره اختلاف بود؛ و هرکدام خود را بر دیگری برتر و مقام خود را بالاتر می‌دانست. نمونه‌ای از دخالت‌های والیان در امور آستانه را می‌توان در دوران حکمرانی قوام السلطنه در خراسان جستجو کرد. وی، به علت آنکه مقام فرمانروایی مطلق خراسان را در دست داشت، و کلیه ادارات قضایی، سیاسی، مالی و حتی، مذهبی خراسان را تحت کنترل خود درآورده بود، به سوءاستفاده‌های فراوان دست زد. قوام، در کلیه امور آستانه، نظیر: پرداخت حقوق کارکنان، بدهی مستأجرین املاک موقوفه، سفارش خدمت افراد در آستانه، اجاره املاک به افراد مورد نظر خود دخالت می‌کرد (فرخ، ۱۳۴۵: ۷۵).

- سوء استفاده‌های خدام و کشیک‌چی‌باشیان

عدم نظارت کافی متولیان بر امور آستانه، سبب شد تا سوءاستفاده‌های زیادی از سوی خدام (سیاح، همان: ۱۳۳) و کشیک‌چی‌باشیان (سند شماره ۲۹۷۲۳/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)^(۵) صورت گیرد. این سوءاستفاده‌ها، حتی به آشپزخانه، دارالشفای حضرتی و دیگر قسمت‌های آستانه هم راه یافت، به طوری که این آشفته‌گی‌ها، در مکاتبات صاحب منصبان دولتی انعکاس پیدا کرد.

- دخالت‌های نامشروع متولیان در موقوفات

در کنار عوامل یاد شده، یکی از مهمترین علل ناکارآمدی در گسترش فرهنگ شیعی و نابسامانی اوضاع آستانه و به ویژه موقوفات، را باید در عملکرد برخی از متولیان جستجو کرد. منصب تولیت حرم، مقامی سودآور و با قدرت بود. متولیان آستانه، مبلغی را تحت عنوان حق التولیه دریافت می‌کردند. این حقوق، علاوه بر یک دهم درآمدهای حرم بود که به آنها می‌رسید (رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۲). متولی باشی، از درآمد سالانه آستان قدس، در همان وهله‌ی اول، ده درصد را به عنوان مقرری ثابت خود برداشت می‌کرد؛ که این مقدار، تمام مبلغ دریافتی او نبود. متولی باشی، هر ساله، هدایای زیادی را از طرف کسانی که املاکی از آستانه در اجاره داشتند و نیز کارکنان دیگر حرم- که تجدید قرارداد اجاره یا استخدام آن‌ها با موافقت مستقیم او صورت می‌گرفت- دریافت می‌کرد(بیت، همان: ۳۲۰). با این وصف، کمتر متولیان یافت می‌شدند که خود را از



این نوع اعمال غیرقانونی دور نگه دارند و به حقوق مقرر خویش، قانع باشند. برخی از اسناد تاریخی، شواهدی از سوءاستفاده‌های متولیان را در به دست می‌دهند (سند شماره ۱/۸۱۷۰۰۰۲۵۰۰۰-۱۰۳ و اب الف ۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)^(۶). عین السلطنه، در فقراتی از روزنامه خاطرات خود، اشاراتی به دخل و تصرف در موقوفه‌ها و عمل نکردن به فحوای وقف‌نامه‌ها دارد (عین السلطنه، همان: ۱۷۴۷/۲).

آشفته‌گی اوضاع آستانه، در مکاتبات صاحب منصبان دولتی نیز انعکاس پیدا یافت. نمونه‌ای از این نوع شکایات، به اعمال غیرقانونی متولیان، از سوی اداره ولایات- توسط مشهدی آقا بزرگ- نوشته شده‌است (سند شماره ۲۴/۸۱۷۰۰۰۲۵۰۰۰-۱۰۳ و اب الف ۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)^(۷).

در مجموع، می‌توان گفت که یکی از عوامل ناکارآمدی این قطب مذهبی در ترویج فرهنگ تشیع، دخالت‌های ناروای کارگزاران آستانه بود. البته، همواره، بدین شکل نبود و در کنار این معضلات، باید حسن تدبیر برخی از متولیان دلسوز و مؤمن را در گسترش معارف و فرهنگ تشیع از نظر به دور نداشت. در کارنامه بسیاری از متولیان این دوره، می‌توان، تلاش‌های آنها را در ایجاد تسهیلات و امکانات لازم برای زائران و ایجاد فضای مناسب زیارتی، مشاهده کرد. چنانچه این اقدامات، در کنار کارکردهای زیارت، مد نظر قرار گیرند، تأثیر آنها در ترویج فرهنگ تشیع غیرقابل خواهد بود.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، می‌توان دریافت که شخصیت و عملکرد متولیان آستان قدس رضوی، نقش مهمی در کارآمدی یا ناکارآمدی این نهاد مذهبی در ترویج فرهنگ شیعی داشته‌است. از جمله عوامل مؤثر در کارآمدی، می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی متولی، از قبیل: تقوی، آراسته بودن او به فضایل اخلاقی و عالم بودن، اشاره کرد.

در کنار این موارد، توجه به عوامل ناکارآمدی این قطب مذهبی در ترویج فرهنگ تشیع، ضروری می‌نماید. از مهمترین عوامل تأثیرگذار در مسائل آستانه، می‌توان به دست اندازی‌های مأموران دولتی، عدم نظارت صحیح متولیان بر امور آستانه و دخالت‌های حاکمان ایالتی در این تشکیلات اشاره کرد. در واقع، این اعمال غیرقانونی،

از بالاترین طبقه تا پایین ترین سلسله مراتب اداری- که خدام و کارگزاران در آن مشغول خدمت بودند- قابل ردیابی است. به نظر می‌رسد، مهمترین عامل آشفتگی در امور آستانه، دخالت‌های حاکمان خراسان بوده است؛ چه، به همان میزان که والی خراسان در ایجاد نظم و رضایت سلطان، توفیق می‌یافت، به همان اندازه، دست او در مداخلات امور آستانه بازتر می‌شد. از سوی دیگر، تلاش متولیان و حاکمان خراسان برای تصاحب همزمان دو منصب تولیت و والیگری، انگیزه این‌گونه دخالت‌ها را افزایش می‌داد. آمیختگی دو منصب، با توجه به موقعیت حساس خراسان، جایگاه متولی را دو چندان، تقویت می‌کرد و استانداران خراسان، گاه، این سمت را به شرط واگذاری نیابت آستانه، می‌پذیرفتند.

درواقع غلبه معیارهای سیاسی در گزینش متولیان، سبب می‌شد که درباری بودن، پیوند خویشی با شاه و حتی پرداخت رشوه، در تصدی منصب تولیت و جلب نظر سلطان مؤثر واقع شود. بدون شک، افرادی که با این شرایط، به این منصب مهم نایل می‌شدند، کارایی چندانی در انجام وظایف محوله نداشتند و غالباً، منافع سیاسی خود را بر هر امری مقدم می‌شمردند. لذا، عواملی چون زدوبندهای سیاسی، منافع شخصی، دخل و تصرف‌های ناروا در امور مالی آستانه، سبب آشفتگی امور و در نتیجه ناکارآمدی کارگزاران در ترویج فرهنگ غنی تشیع می‌شد. البته، همواره، بدین شکل نبوده؛ چرا که در کنار این معضلات، حسن تدبیر برخی از متولیان تأثیرگذار در گسترش معارف شیعی را نباید نادیده انگاشت. درواقع، دخالت‌های ناروا، مانع عمده‌ای در بهره‌برداری از قابلیت‌های مادی و معنوی آستانه، در نشر معارف شیعی بود.

کتابنامه

۱. ابن‌اشدقم، علی بن حسین (۱۳۸۰)، *زهرة المقول*، نجف، بی‌نا.
۲. ابی‌الفدا، عماد‌الدین اسماعیل (۱۳۷۵)، *المختصر فی اخبار البشر*، بیروت، دار صادر.
۳. اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۸۰)، *مقاتل الطالبین*، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران، بنیادفرهنگ اسلامی.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۴)، *مآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران*، ترجمه ایرج افشار، تهران، اساطیر.
۵. _____ (۱۳۶۲)، *مطلع الشمس*، با مقدمه محمد پیمان، تهران، پیشگام.
۶. _____ (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تهران، دنیای کتاب.
۷. _____ (۱۳۵۷)، *صدرالتواریخ*، به‌کوشش محمدمشیری، تهران، روزبهان.
۸. امیرشیبانی، عبدالرضا (۱۳۸۰)، *سیمای وقف در خراسان*، مشهد، سگال.
۹. بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، *شرح حال رجال ایران*، تهران، زوار.
۱۰. ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
۱۱. جهان‌پور، فاطمه (۱۳۸۷)، *تاریخچه مکتبخانه‌ها و مدارس قدیم*، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.
۱۲. حائری، محمد حسین (۱۴۱۳)، *دایره‌المعارف شیعه*، بیروت: موسسه الاعلمی مطبوعات.
۱۳. حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۲)، «تاریخچه تشکیلات اداری آستان‌قدس رضوی در دوره صفویه»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*؛ ش ۶۰-۷۱، سال ششم، ۴۴-۳۵.
۱۴. حسینی استرآبادی، حسن مرتضی (۱۳۶۴). *از شیخ صفی‌تاشاه صفی، تاریخ سلطانی*. به اهتمام احسان اشراقی. تهران، علمی.
۱۵. حکمت، علی اصغر (۱۲۹۷). *سالنامه وزارت اوقاف و*

- مستظرفه. تهران، چاپ سربی.
۱۶. حلی، محقق (۱۳۴۳)، *مختصر النافع*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران، نشر کتاب.
۱۷. حموی بغدادی، یاقوت (۱۳۹۹)، *معجم البلدان*، بیروت، دارالفکر.
۱۸. خالقی، محمدهادی (۱۳۷۸)، *دیوان نقابت*، پژوهشی درباره پیدایش و گسترش اولیه تشکیلات سرپرستی سادات، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. خراسانی، محمد هاشم (۱۳۴۷)، *منتخب التواریخ*، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی.
۲۰. خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۵۳)، *حبیب السیر*، به کوشش محمود دبیر سیاقی، تهران، خیام.
۲۱. راوندی، مرتضی (۱۳۶۷)، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، امیرکبیر.
۲۲. رضوی، محمد باقر (۱۳۵۲)، *شجره طیبه*، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران، چاپخانه حیدری.
۲۳. رفیعا، میرزا (۱۳۸۵)، *دستور الملوک*، به کوشش محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران، مرکز اسناد.
۲۴. ساعاتی، محمد (۱۳۸۷)، *وقف و گسترش کتابخانه ها در جهان اسلام*، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲۵. سپنتا، عبدالحسین (۱۳۶۴)، *تاریخچه اوقاف اصفهان*، اصفهان، اداره کل اوقاف منطقه اصفهان.
۲۶. سپهر، محمد تقی (۱۳۷۷)، *نسخ التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر. تهران، اساطیر.
۲۷. سحاب، ابوالقاسم (۱۳۳۴)، *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (ع)*، تهران، چاپخانه اسلامی.
۲۸. سمیعا. میرزا (۱۳۶۸)، *تذکره الملوک*، به کوشش محمود دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، امیر کبیر.
۲۹. سیاح، حمید (۱۳۴۶)، *خاطرات سیاسی حاج سیاح یا دوره*



- خوف و وحشت، تصحیح سیف الله گلکار، تهران، ابن سینا.
۳۰. سیدی، مهدی (۱۳۸۷)، *گزیده تاریخ و جغرافیای شهر مشهد*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۱. شاکری، رمضان علی (۱۳۶۷)، *گنج هزارساله*، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۲. شاملو، ولی قلی (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. شهشانی، عبدالوهاب (بی تا)، *بحرالجوهر فی علم الدفاتر*. تهران، چاپ سنگی.
۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۷)، *تاریخ طبری*، بیروت، عزالدین.
۳۵. عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱)، *تاریخ آستان قدس*، مشهد، عطارد.
۳۶. عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود میرزا سالور، تهران، اساطیر.
۳۷. فرخ، مهدی (۱۳۴۵)، *خاطرات سیاسی فرخ*، تهران، جاویدان علمی.
۳۸. فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر*، معروف به سفر زمستانی فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران، توس.
۳۹. قمی، احمد بن حسین (۱۳۵۹)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشرافی. تهران، دانشگاه تهران.
۴۰. کاظم امام، محمد (۱۳۴۸)، *مشهد طوس، تاریخ و جغرافیای تاریخی خراسان*، مشهد، انتشارات کتابخانه ملی ملک.
۴۱. کاویانیان، احتشام (۱۳۵۵)، *شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس رضوی*، مشهد، نشر آستان قدس.
۴۲. کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. کریمیان، علی (۱۳۷۸)، *اسناد موقوفات آستان قدس در هرات*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۴۴. ماوردی، ابی الحسن (۱۹۹۶م)، *احکام السلطانیه و الولايات*

- الدینیة، بیروت، دارالفکر.
۴۵. متز، آدام (۱۳۶۲)، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.
۴۶. مجتهدی، کریم و دیگران (۱۳۷۹)؛ مدارس و دانشگاه های اسلامی و غربی در قرون وسطی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
۴۷. مدیرخازنی، محمد (۱۳۳۵)، شجره، سلسله جلیله سادات رضوی، مشهد، زوار.
۴۸. مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من، تهران، هرمس.
۴۹. مصطفوی رجالی، مینودخت (۱۳۵۱)، وقف در ایران، بی جا، بی نا.
۵۰. معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی (۱۳۵۱)، مکارم آلائس، اصفهان، نشاط اصفهان.
۵۱. مؤتمن، علی (۱۳۴۸)، تاریخ آستان قدس رضوی، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
۵۲. موری موتو، کازئو (۱۳۸۶)، «مطالعه ای مقدماتی درباره پراکندگی جغرافیایی نقابه الطالبین»، ترجمه ۵۳. محمدحسین حیدریان، آئینه میراث، ش ۱ و ۲، صص ۹۹-۱۵۰.
۵۴. مولوی، عبدالحمید (۱۳۵۸)، پیش نویس فهرست موقوفات آستان قدس، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
۵۵. ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۳)، سفرنامه دوم خراسان، تهران، شب تاب.
۵۶. وحید قزوینی، محمد طاهر (۱۳۲۹)، عباس نامه، تصحیح ابراهیم دهگان. اراک، داوودی.
۵۷. ولایی، مهدی (۱۳۴۲) «یادی از نواب پیشین تولیت آستان قدس رضوی»، نامه آستان قدس، شماره ۱۶، سال چهارم، صص. ۶۴ - ۵۹.
۵۸. ---- (۱۳۴۴)، «شرح حال نواب تولیت علمای آستان قدس»، نامه آستان قدس، شماره ۲۱، سال ششم، صص. ۹۰-۸۶.
۵۹. هاشم میرزا، سلطان (۱۳۷۹). زبور آل داوود. تصحیح عبدالحسین

نوایی. تهران، نشر میراث مکتوب.

۶۰. هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۵)، *تاریخ روضه الصفا*، تصحیح جمشید کیان فر، تهران، اساطیر.

۶۱. همدانی مستوفی، اسماعیل خان (۱۳۱۷)، *آثار الرضویه من منتخبات الصدیقه*، مشهد، چاپ سنگی.

۶۲. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، *سفرنامه خراسان و سیستان*، ترجمه قدرت‌الله روشنی (زعفرانلو) و دیگران، تهران، یزدان.

۶۳. Case Of Ali-musal -Reza In Mashhad (unpublished desertation), Harvard University.

نسخه‌های خطی

۱. بسطامی، نوروزعلی. ۱۳۳۲ه. ق. فردوس‌التواریخ. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، نمره مسلسل ۲۷۸ [نسخه خطی].

۲. خلخالی، محمدباقر. ۱۳۳۱ه. ق. جنات‌الثمانیه. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، نمره مسلسل ۴۱۰۰ [نسخه خطی].

فهرست اسناد

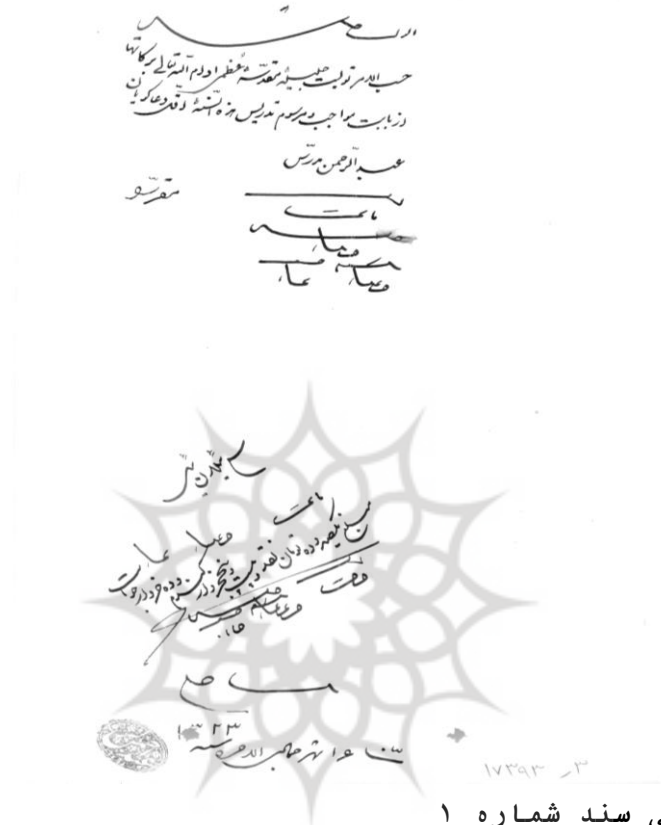
- سند شماره ۱۷۳۹۳/۳ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
 - سند شماره ۱۵۴۰۴/۵ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
 - سند شماره ۱۵۴۰۴/۶ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
 - سند شماره ۲۹۷۲۳/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
 - سند شماره ۲۵۰۰۰۰۸۱۷/۲-۱۰۳ و اب الف ۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- سند شماره ۲۵۰۰۰۰۸۱۷/۱-۲۵۰۰۰۰۸۱۷/۱ و اب الف ۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- سند شماره ۲۵۰۰۰۰۸۱۷/۲۴-۲۵۰۰۰۰۸۱۷/۱۰۳ و اب الف ۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

پیوستها و ضمائ

سند شماره ۱



بازخوانی سند شماره ۱

هوالوهاب

حسب الامر تولیت جلیله مقدسه عظمی آدم الله تعالی برکاته از بابت مواجب و مرسوم تدریس هذه السنه اقل دعاگویان عبدالرحمن مدرس.

امضاء

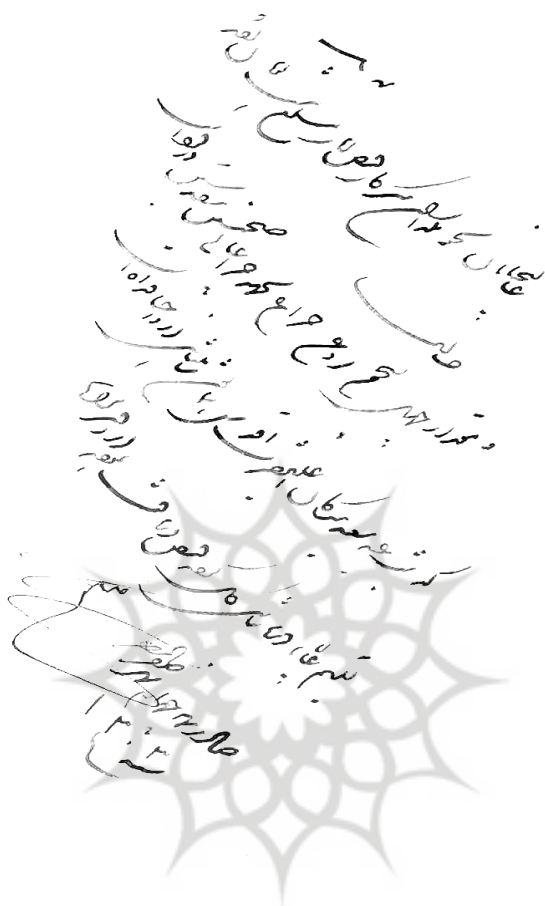
مقرر شد

سبع تیلان نیل مبلغ یکصد و ده تومان نقد و پنج خروار گندم و ده خروار جو.

امضا

اواسط جمادی الاولی سنه ۱۳۲۳

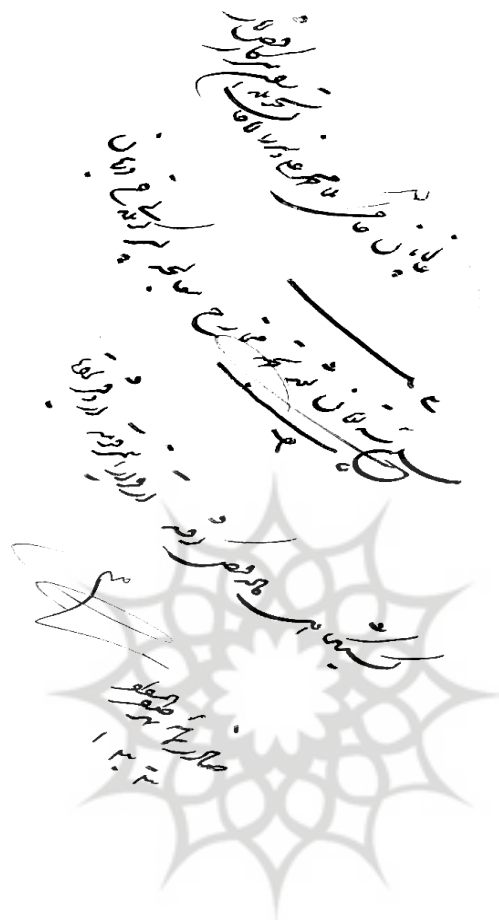
مهر بیضی شکل: عبدال



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

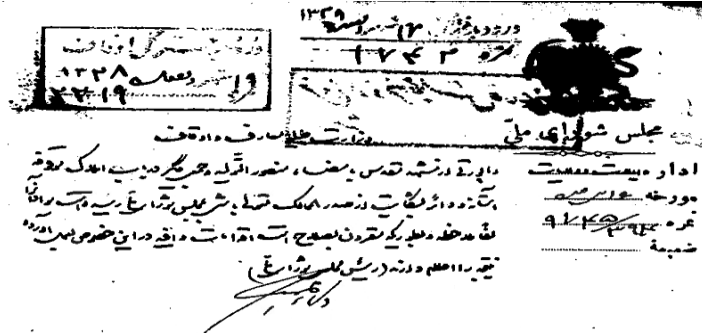
بازخوانی سند شماره ۲

عالیجنابان تحویل داران سرکار فیض آثار مبلغ هشت تومان نقد و مقدار چهل و پنج [اعداد به سیاق] من روغن چراغ به جهت چراغانی صحنین مقدس در فردا شب که شب عید سعید بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه است، تسلیم عالی [جناب] دربان باشی کل گردید، قبض دریافت نموده در دفتر برات صادر نماید. چهارم شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۰۳ [هـ.ق.]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بازخوانی سند شماره ۳
 عالی جنابان حاجی ملا محمد علی و میرزا آقا خان، تحویل داران سرکار فیض آثار
 مبلغ سه تومان نقد [عدد به سیاق] به جهت مخارج معالجه پسر کربلائی حسن دربان
 کشیک اول صادر قبض گرفته، از قرار این مرقومه در دفتر برات صادر نمائید. شهر
 صفر المظفر ۱۳۰۳ [هـ ق امضاء]



اقدام شده در این باره

بازخوانی سند شماره ۴

نشان شیر و خورشید ایستاده

مجلس شورای ملی / اداره آیالات و ولایات - مورخه ۱۶ ذی قعدة [۱۳۲۸ هـ ق] -

نمره ۹۷۴۵ / ۳۹۴

وزارت جلیله معارف و اوقاف

راپورتی از مشهد مقدس به امضاء منصورالتولیه و جمعی دیگر در باب املاک موقوفه آستانه دائر به شکایت از صدرالممالک متولی باشی به مجلس شورای ملی رسیده است. سواد آن را لطفاً ملاحظه و به طوری که مقرون به صلاح است اقدامات وافیه در این خصوص به عمل آورده نتیجه را اعلام دارند (رئیس مجلس شورای ملی) ذکاء الملک / حاشیه ۱: اقدام می شود در آسایش این ها.

حاشیه ۲: [مه] ورود به دفتر کل ۱۷ شهر ذی قعدة ۱۳۲۹ - نمره ۱۷۴۲

حاشیه ۳: [مهر] ورود به دفتر کل اوقاف - ۱۹ شهر ذی قعدة ۱۳۲۸ - نمره ۲۳۱۹

وزارت اوقاف
شماره ۲۸۲۰



مجلس شورای ملی

اداره
مورخه ۱۴ ربيع الاول
نمره ۱۳۳۷۱
ضمیمه
از عمال و خدام آستانه مقدسه رضوی گرانه و اربابیت از ادوات زیرمجموعه
رابع مجلس رسیده سواد آنرا ملاحظه و نسبت مطالب آنرا به آنها احوال
مدر آورده و شماره اطلاع استند رئیس مجلس شورای ملی

وزارت اوقاف
شماره ۱۳۳۷۱
مورخه ۱۴ ربيع الاول
نمره ۳۰۲۷



بازخوانی سند شماره ۵

نشان شیر و خورشید ایستاده
مجلس شورای ملی - مورخه ۱۴ ربيع الاول - نمره ۱۳۳۷۱
وزارت جلیله اوقاف

از عمال و خدام آستانه مقدسه رضوی تلگرافی دایر به شکایت از اقدامات میرزا
عبدالحسین فراشباشی کشیک رابع به مجلس رسیده، سواد آن را لطفاً ملاحظه و نسبت
به مطالب اظهاریه آنها اقدامات لازمه به عمل آورده، نتیجه را اطلاع دهند. رئیس مجلس
شورای اسلامی

حاشیه ۱: مهر ورود به دفترکل - ۱۸ شهر ربيع الاول ۱۳۲۹ - نمره ۲۸۲۰
حاشیه ۲: مهر ورود به دفترکل اوقاف - ۱۸ شهر ربيع الاول ۱۳۲۹ - نمره ۳۰۲۷

چهارشنبه ۱۳۹۱ سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱



و اگر وضع مملکت بگذرد دادنی قانع نمید که مطلع هستید مانع نشود امید دارم
 دیدم درم که در این سال که در راه بودم ما نیز هم که در این سال
 که در سنوات هر چه دادند است به هم صورت کردند و در صورت
 تقدیم شده است و در این سال که در راه بودم ما نیز هم که در این سال
 خود هم داده که ما همه مسبوق شد جناب آقای صدر الممالک که در این سال
 در طریق رسیدن وقت که در این سال که در راه بودم ما نیز هم که در این سال
 ده مبلغ و در این سال که در این سال که در راه بودم ما نیز هم که در این سال
 همیشه رخصت می‌دهم که در این سال که در راه بودم ما نیز هم که در این سال
 در این سال که در این سال که در راه بودم ما نیز هم که در این سال
 در این سال که در این سال که در راه بودم ما نیز هم که در این سال

بازخوانی سند شماره ۶

و اگر وضع مملکت بگذارد و این وقایع فجیعه که مطلع هستید مانع نشود امید دارم
 که امنای آستانه مقدسه را بتوانم حاضر نمایم که قراری در کسر کلی که از سنوات
 عدیده وارد شده است، بدهند. صورت قرارداد سابقاً تقدیم شده است و انشاء الله
 رسیده، بعضی تغییرات هم که بشود صورت خواهم داد که خاطر محترم مسبوق شود.
 جناب آقای صدر الممالک یک هفته قبل از طریق روسیه حرکت کرده باید تا رسیدن
 عریضه به طهران برسد دیگر ترتیب حساب اوضاع ایشان را بنده لازم نیست عرض
 نمایم. سایرین اظهار خواهند کرد. همین قدر تصدیق می‌دهم که حساب مانده
 حق التولیه را در پنج ماه اول سال نقداً و جنساً تماماً دریافت کرده و خیلی از مخارج
 داده را ابداً محسوب نداشته‌اند که خیلی اختلاف حساب در بین است.

امضاء احمد...



دوره پنجم ۱۳۲۹
شماره ۲۷۷۹

سند شماره ۱۳۲۹
مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی
 سواد عریضه مشهدی آقا بزرگ
 اداره - ۱۳۲۵
 مورخه شهر ربیع الاول ۱۳۲۹
 عرض می شود این قدر که در روزنامه ها نوشتن [نوشتند]، این قدر که تمام مردم داد زدند که بابا صدر الممالک آستانه علی ابن موسی الرضا (ع) روحی و ارواح العالمین له
 سواد عریضه مشهدی آقا بزرگ
 در روز اول ماه ربیع الاول ۱۳۲۹
 در مجلس شورای ملی
 سواد عریضه مشهدی آقا بزرگ
 اداره - ۱۳۲۵
 مورخه شهر ربیع الاول ۱۳۲۹

پژوهشگاه ملی تاریخ اسلام / سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بازخوانی سند شماره ۷

نشان شیر و خورشید ایستاده

مجلس شورای ملی - سواد عریضه مشهدی آقا بزرگ - اداره ولایات - نمره

۱۲۰۲۵ - مورخه شهر ربیع الاول ۱۳۲۹

عرض می شود این قدر که در روزنامه ها نوشتن [نوشتند]، این قدر که تمام مردم داد زدند که بابا صدر الممالک آستانه علی ابن موسی الرضا (ع) روحی و ارواح العالمین له



الفداه را خراب کرد، صدهزار تومان مال آستانه را از میان برد. خودش مکرر می گوید که بروم تهران باید مدتی بیکار باشم، از کیسه بخورم. مال آستانه که مال ملت بیچاره نیست، که معتمدالوزاره صد هزار تومان تصرف [ناخوانا] مگر شما گوش شنوا و چشم بینا ندارید که هر طور^۱ داد می زنند، کسی گوش به عرض عارضین، جراید که زبان ملت می باشد نمی دهید. اگرچه آقای اردبیلی که خدا طول عمر به ایشان بدهد از هر طرف تولیت جلیله در مجلس شورای ملی وکالت دارند. البته ایشان مانع نمی شوند. شما گوش به عرایض مردم بدهید. آخر نه این است سی کرو نفوس محترم شما را انتخاب کردند. [مخدوش] این بود که دردی را چاره نمائید، نه آن که چندان بشود هر چه مردم عریضه عرض می کنند، داد می زنند نتیجه ندارد. این فصل زمستان با این امر خدا می داند. امیرالسلطنه نیز دارد تمام گوشت تیره به مردم می خوراند. آخر چرا به داد ماها نمی رسید. الان حق التولیت دو عشر برداشت کرد و امیدوارم که آن عریضه را مثل بسیار عریضه ها زیر زانو نگذارید. جواب مرحمت فرمائید. پست خانه خواهید رسانید. آقا بزرگ. سواد مطابق اصل است. امضاء

حاشیه ۱: ملفوف نمره ۳۰۰۲- اندیکاتور اداره کل اوقاف

حاشیه ۲: مهر ورود به دفتر کل ۱۳ شهر ربیع الاول ۱۳۲۹- نمره ۲۷۷۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اصل سند: هر تور.